عشر کبری تعدی از بیستویک طریق به هشتاد طریق

خب این ابن جزری است. بعد چه کار کرد؟ آمد طیبة النشر را نوشت. آمد شد عشر کبری. از بیست و یکی به هشتاد تا رساند. وقتی هشتاد تا گستردهتر میشود، میشود نهصد و هشتاد تا. مقدمه النشر را نگاه کنید. یعنی طریق بیست و یکی را از تحبیری که عشر صغری بود –یعنی قرائت عشر را تنها با بیستویک طریق آورده بود- در النشر آورد قرائات عشر را با هشتاد طریق آورد. هشتاد طریقی که وقتی بسط پیدا میکند میشود نهصد و چهل تا.

شاگرد: به آن چهارده تا است یا به آن هفت تا است؟ بیستویک، هشتاد و ... .

استاد: همه این چهارده تا است. یعنی فعلاً چهارده راوی نبوده اند. از تبصره چهارده تا شدند. در همین قالب ابن جزری جلو آمد. یعنی در تحبیر چهارده راوی را به سبع صغری، کرد ده قاری با بیست راوی. شد عشر صغری. یعنی همه بیست راوی از عشر قرائات را از بیستویک طریق شاطبیه آورد. این شد عشر صغری. یعنی ده قاری، بیست راوی، و بعد از این بیست راوی، بیستویک طریق. اینها برای مرحله اول است. در مرحله بعدی در النشر چه کار کرد؟ همین بیست راوی را با هشتاد طریق آوردند. لذا معروف شده به عشر کبری.

در این چند لحظهای که ماندهاست میخواهم چیزی را تلفیق کنم.

شاگرد: وجه کجا است؟

استاد: در این سه تا [قرائت،روایت،طریق]، میگویند حتماً باید مقری و قاری اینها را ذکر کند. یعنی وقتی اختلاف هست باید بگوید این چیزی که من خواندهام عن عاصم بروایة حفص بطریق اشنانی است. اسم ببرد. اگر نبرد کان مخلاًفی قرائته و اقرائه. اما وجه این است که یک جاهایی میرسد که نیازی نیست طریق و راوی را بگوید. همه وجوه آن جایز است. آن جایی که همه انواعش جایز است و ذکر طریق نیاز نیست، وجه میگویند. یکی از آنها موارد بسمل است.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 آوریل 2024 14:29:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 مه 2024 16:52:06 توسط ... .